

[www.salampnu.com](http://www.salampnu.com)

## سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

[www.salampnu.com](http://www.salampnu.com)



---

---

شناسنامه درس

نام درس: معانی و بیان (۲) (بیان)

تعداد واحد: ۲ واحد درسی ادبیات فارسی

نام منبع: معانی و بیان (۲) چاپ دانشگاه پیام نور

نام مولف: دکتر سیروس شمیسا

نام تهیه کننده اسلاید: دکتر میر نعمت اله موسوی

## ❖ بیان

### هدف کلی درس

آشنایی دانشجو با مباحث بنیادی علم بیان از قبیل مجاز، تشبیه، استعاره و کنایه و مسایل نوین بلاغت از قبیل سمبل، تمثیل، اسطوره، آرکی تایپ، به نحوی که در مطالعه متون ادبی بتواند موارد مزبور را دقیقاً تشخیص دهد و از عهده تجزیه و تحلیل رمز و رازهای کلام ادبی بر آید.

❖ بیان

## هدف کلی فصل اول

آشنایی دانشجو با مقدمات علم بیان و کلیات مباحث آن از

قبیل سبک ادبی، موضوع علم بیان، تعریف علم بیان، فایده

علم بیان و ...

❖ بیان – مجاز

## هدف کلی فصل دوم

آشنایی دانشجو با مبحث مجاز از قبیل تعریف مجاز، علاقه،

انواع مجاز و ...

❖ بیان – تشبیه

## هدف کلی فصل سوم

آشنایی دانشجو با مبحث تشبیه از قبیل تعریف تشبیه، ارکان

تشبیه، انواع تشبیه، نو کردن تشبیه و ...

❖ بیان – استعاره

## هدف کلی فصل چهارم

آشنایی دانشجو با مبحث استعاره از قبیل، تعریف استعاره،  
قرینه صارفه، اصطلاحات خاص استعاره، انواع استعاره، تناسی  
تشبیه، هدف از استعاره، استعاره گونه‌ها و ...



❖ بیان – استعاره گونه‌ها

هدف کلی فصل پنجم

آشنایی دانشجو با مفهوم سمبل، تمثیل، اسطوره و آرکی

تایپ و ...

❖ بیان – کنایه

## هدف کلی فصل ششم

آشنایی با مبحث کنایه از قبیل تعریف کنایه، اصطلاحات

کنایه، انواع کنایه، فرق کنایه و استعاره مرکب و ...

## ❖ بیان – تعریف

بیان ایراد معنای واحد به طرق مختلف است مشروط بر اینکه اختلاف آن طرق (شیوه‌های مختلف گفتار) مبتنی بر تخیل باشد، یعنی لغات و عبارات به لحاظ خیال‌انگیزی نسبت به هم متفاوت باشند.

## ❖ بیان – تعریف

### ادای معنای واحد به طرق مختلف

دقت در نحوه اداهای مختلف معنی واحد، مبین اختلاف در

نگرش‌های هنرمندان است و نهایتاً اختلاف سبک دوره‌های

مختلف ادبی یا سبک خاص شاعران و نویسندگان را نشان

می‌دهد.

## ❖ بیان – تعریف

اداي معنای واحد به طرق مختلف

در بیان پيري:

فردوسي: پر از برف شد کوهسار سیاه ...

سعدی: چو کوه سپیدش پر از برف موي ...

جامی: سپید شد چو درخت شکوفه دار سرم ...

## ❖ بیان – موضوع

موضوع بیان ، بحث در تصویرهای شاعرانه است. بررسی این تصویرها در چهار مقوله

اصلي: مجاز ، تشبیه ، استعاره ، و کنایه و مقوله‌های تازه‌تر و فرعی: سمبل ، اسطوره ،

تمثیل ، آرکی تایپ و ... قابل بحث است.

## ❖ بیان – فایده

در علم بیان با شیوه‌های مختلف ادای معنای واحد و یا ابزارهای مختلف در زبان آشنا می‌شویم و می‌آموزیم که چگونه باید مراد شاعر را از واژه‌ها و عباراتی که در معنای اصلی خود به کار نرفته‌اند، دریافت از این رو علم بیان راه ورود به دنیای ادبیات است.

## ❖ بیان – فایده

هر علم معیار و محک و روش و آیین و به اصطلاح متدولوژی (روش شناسی) خاصی دارد

که آن علم را بدان وسیله می‌سنجند و بررسی می‌کنند ... متدولوژی قسمت اعظمی از

ادبیات **علم بیان** است و توسط آن می‌توان والایی و استواری یا فرودستی و خاصی آثار

ادبی را سنجید و میزان نوآوری و تقلید را اندازه گرفت .



## ❖ بیان - مجاز

علاقه کلیت و جزئیت

- ذکر کل و اراده جزء

آب صافی شده است خون دلم

خون دیده شده است آب سرم

که مراد از آب سر، آب چشم است.

## ❖ بیان – مجاز

علاقه کلیت و جزئیت

ذکر جزء و اراده کل

من آن نگین سلیمان به هیچ نستادم

که گاه گاه بر او دست اهرمن باشد

مراد از نگین ، انگشتری است که قسمتی از آن است.

## ❖ بیان – مجاز

علاقه کلیت و جزئیت

ذکر جزء و اراده کل

رستم از این بیت و غزل ای شه و سلطان ازل

مفتعلن مفتعلن مفتعلن کشت مرا

مراد از مفتعلن همه ارکان عروضی و نهایتاً عروض است.

## ❖ بیان - مجاز

علاقه مایکون ← آینده ، بودنی

گفتن اسم ، حال یا صفت آتی کسی یا چیزی و اراده کردن حال و وضع کنونی.

فریبش داد تا باشد شکیش

نهاد آن کشتنی دل بر فریبش

با توجه به محور عمودی سخن در خسرو و شیرین نظامی ، مراد از کشتنی ، شیرویه پسر

خسرو است.

## ❖ بیان – مجاز

علاقه ما کان گذشته ، بوده.....

گفتن اسم ، حال یا صفت سابق کسی یا چیزی و اراده کردن حال و وضع کنونی

هر چوپ در تجمل چون بزم میرگشت

گر در دو دست موسی یک چوب مار گشت

که مراد از چوب ، عصای موسی است.

## ❖ بیان – مجاز

علاقه ماکان و ما یکون

تعریف: ما کان یعنی آنچه بود و ما یکون یعنی آنچه خواهد بود.

به این علاقه می توان علاقه گذشته و آینده یا بوده و بودنی نیز گفت .

## ❖ بیان – مجاز

علاقه عموم و خصوص و علاقه کلیت و جزئیت

تبصره

فرق علاقه عموم و خصوص با علاقه کل و جزء این است که در اولی معمولاً موضوع

انسان است و در دومی غیر انسان.

## ❖ بیان – مجاز

علاقه عموم و خصوص ← یعنی ذکر خاص و اراده عام و برعکس

ذکر عام و اراده خاص

سوار از برزین بیفشد ران

سبک شد عنان و رکیبش گران

سوار با توجه به محور عمودی سخن رستم است.



## ❖ بیان - مجاز

علاقه عموم و خصوص (یعنی ذکر خاص و اراده عام و برعکس)

ذکر خاص و اراده عام

خواجه روزگار قنبر او

کدخدای زمانه چاکر او

مراد از قنبر که اسم خاص (بنده حضرت علی) است مطلق چاکر و بنده است.

## ❖ بیان – مجاز

علاقه عموم و خصوص (یعنی ذکر خاص و اراده عام و برعکس)

ذکر خاص و اراده عام

ای خواجه ارسلان و آغوش

فرمانده خود مکن فراموش

اسمی که غلامان داشتند یعنی مطلق غلام ...

## ❖ بیان – مجاز

علاقه سببیت یا علت و معلولی ( یعنی به کار بردن کننده و کنش به جای یکدیگر )

ذکر سبب = علت و اراده مسبب = معلول

خسروی کار گدایی کی بود

این به بازوی چو مایی کی بود

یعنی به قدرت.....

## ❖ بیان – مجاز

علاقه لازمیت و ملزومیت

یعنی به کار بردن لازم و ملزومی به جای یکدیگر

من پر از نورم و شن

و پر از دارو درخت

یعنی پر از سبزی و صفا

## ❖ بیان – مجاز

علاقه لازمیت و ملزومیت

یعنی به کار بردن لازم و ملزومی به جای یکدیگر

راه می بینم در ظلمت ، من پر از فانوسم

یعنی پر از نور و روشنی...

## ❖ بیان – مجاز

علاقه حال و محل یا ظرف و مظهر

یعنی استعمال جای و جایگیر به جای هم

ذکر محل و اراده حال یا ذکر ظرف و اراده مظهر

دل عالمی بسوزی چو عذار برفروزی

تو از این چه سود داری که نمی کنی مدارا

یعنی دل اهل عالمی...

## ❖ بیان - مجاز

علاقه حال و محل یا ظرف و مظروف

یعنی استعمال جای و جایگیر به جای هم

ذکر حال = مظروف و اراده محل = ظرف

گل در بر و می در کف و معشوق به کام است

سلطان جهانم به چنین روز غلام است

یعنی جام می در کف....

## ❖ بیان – مجاز

علاقه جنس ← جنس چیزی را بگویند و خود آن چیز را اراده کنند.

علاقه جنس

بدان آهن که او سنگ آزمون کرد

تواند بیستون را بی ستون کرد

مراد از آهن ، تیشه فرهاد است .



## ❖ بیان – مجاز

علاقه جنس

تیز رفتار گردد و چیره

چون که مجروح گردد از آهن

مراد از آهن ، چاقو است که توسط آن قلم را می تراشند.

## ❖ بیان – مجاز

علاقه جنس

از فروع مجاز به علاقه ما کان است. مانند اطلاق زر و سیم به دینار و درهم یا تخته به

تابوت.

## ❖ بیان – مجاز

علاقه صفت و موصوف یا مضاف و مضاف الیه

علاقه مضاف الیه

ناصرم گفتم که جز غم چه هنر دارد عشق

گفتم ای خواجه عاقل هنری بهتر از این

غم ، به جای ایجاد غم به کار رفته است.

## ❖ بیان – مجاز

علاقه صفت و موصوف یا مضاف و مضاف الیه

علاقه مضاف

حاجی به ره کعبه و من طالب دیدار

او خانه همی جوید و من صاحب خانه

خانه در مفهوم خانه کعبه به کار رفته است.

## ❖ بیان – مجاز

علاقه صفت و موصوف یا مضاف و مضاف الیه

علاقه صفت

ورگفتم اهل مدح و ثنا آل **مصطفاست**

چون زی شما سزای جفا و هجا شدم

**مصطفی** (= برگزیده) صفت حضرت پیامبر اکرم (ص) به جای محمد مصطفی (ص) به کار

رفته است.

## ❖ بیان – مجاز

علاقه مجاورت ← واژه ای به سبب مجاورت به جای واژه دیگری به کار رود.

چو زاغ شب به جابلسا رسید از حد جابلقا

برآمد صبح رخشنده چو از یاقوت عنقایی

صبح به جای خورشید به کار رفته است.

## ❖ بیان – مجاز

علاقه قوم و خویشی یا مجاز بنوت

گرچو بوذر آرزوی تاج داری روز حشر

دارچون منصور حلاج انتظار تاج دار

منصور حلاج به جای حسین بن منصور حلاج به کار رفته است.

## ❖ بیان – مجاز

علاقه قوم و خویش یا مجاز بنوت

ای که نصیحتم کنی کز پی او دگر مرو

در نظر سبکتگین عیب ایاز می کنی

سبکتگین به جای محمود بن سبکتگین غزنوی به کار رفته است



## ❖ بیان – مجاز

علاقه تضاد ← واژه در معنی ضد آن به کار رود

نا صحم گفتم به جز غم چه هنر دارد عشق

گفتم ای خواجه عاقل هنری بهتر از این

عاقل به معنی جاهل به کار رفته است.

## ❖ بیان – مجاز

مجاز به علاقه تضاد کامل را پیشینیان از مقوله شباهت محسوب کرده و به این گونه

مجاز استعاره تهکمیة.

یعنی استعاره ریشخند می گفته اند.

## ❖ بیان – مجاز

علاقه شباهت ← به کار بردن دو چیز یا دو مفهوم به جای هم به خاطر یافتن نوعی

شباهت بین آنها.

مهمترین نوع مجاز ، مجاز به علاقه شباهت است که آن را استعاره می نامند.

## ❖ بیان – مجاز

مجاز بر دو نوع است

مجاز مرسل که در آن واژه در غیر معنی اصلی خود به کار می‌رود.

مجاز مرکب که در آن جمله در غیر معنی اصلی خود به کار می‌رود.

## ❖ بیان- مجاز

اگر در مجاز مرکب علاقه ، علاقه شباهت باشد به آن استعاره مرکب می گویند.

گره به باد مزین گرچه بر مراد رود.

یعنی کار بیهوده مکن.

## ❖ بیان - مجاز

با توجه به کارآیی **استعاره مرکب** و **کنایه** که هر دو جمله‌ای است در معنی غیر اصلی ،

اما این دو فرق اساسی با هم دارند ، در **استعاره مرکب** به قرینه لفظی و در **کنایه** به

قرینه معنوی نیاز است.

## ❖ بیان- مجاز

### علاقه سببیت

از نام بد اره می بترسی

با یار بد از بنه نپیوند

پیوستن با بدان مجاز است زیرا سبب تاثیر و تاثر می شود و آن نیز موجب نام بد می شود.

❖ بیان - مجاز

علاقه سببیت

الا گر جفاکاری اندیشه کن

وفا پیش گیر و کرم پیشه کن

اندیشه کن در مفهوم اجتناب کن آمده زیرا سبب آن می شود.



❖ بیان - مجاز

علاقه کل به جز و برعکس

ذکر کل و اراده جزء

عنان را بیچید و او را به نعل

همی کوفت تا خاک از او گشت لعل

از واژه او، خون او را اراده کرده است.

❖ بیان - مجاز

علاقه کل به جز و برعکس

ذکر جزء و اراده کل

زمادر همه مرگ را زاده ایم

به بی کام گردن بدو داده ایم

از گردن ، تمام وجود را اراده کرده است.

❖ بیان - مجاز

علاقه ملازمت

به دلداري آن مرد صاحب نیاز

به زن گفت کاي روشنايي بساز

مراد از روشنايي ، زن است.

## ❖ بیان - مجاز

### علاقه ملازمت

علاقه ملازمت بر دو قسم است: ۱- تسمیه ملزوم به رسم لازم چنانکه **حرارت** بگویند و

اراده **آتش** کنند.

۲- تسمیه لازم به اسم ملزوم ، چنانکه **شمع** بگویند و اراده **روشنایی** کنند.

❖ بیان - مجاز

علاقه ملازمت

شمع را باید از این خانه به در بردن و کشتن

تا که همسایه نداند که تو در خانه مایی

مراد از شمع ، پرتو آن است نه خود آن

❖ بیان - مجاز

علاقه محل و حال

الامتحیران خاموش

شهری متحدان حسنت

شهری در مفهوم مجازی مردم شهر.

❖ بیان - مجاز

علاقه محل و حال

جهان انجمن شد بر تخت اوی

فرمانده از فره و بخت اوی

مراد از جهان ، ساکنان جهان است.

❖ بیان - مجاز

علاقه محل و حال

تو پشت سپاهی و سالار شاه

برآورده از چرخ کیهان کلاه

جای کلاه ، سر است.



❖ بیان - مجاز

علاقه حال و محل

برآن نامه بنهاد خسرو نگین

فرستاده را داد و کرد آفرین

نگین به معنی مهر و امضا یعنی جای و اثر نگین

❖ بیان - مجاز

علاقه حال و محل

ریگ آموي ودرشتي هاي او

زیر پایم پرنیان آید همی

واژه ریگ به معنی ریگزار یا جای ریگ.

❖ بیان - مجاز

علاقه ماکان

حمد بي حد مر خدای پاک را

آنکه جان بخشید و ایمان خاک را

عطار از واژه خاک اراده آدمی می کند چرا که آدم از خاک است.

❖ بیان - مجاز

علاقه مایکون

هر هفت کرده پردگی رز به خرمن آر

تا هفت پرده خرد ما برافکند

خاقانی از عبارت پردگی رز ، شراب را اراده کرده است.

❖ بیان - مجاز

علاقه تسمیه به آلت

کزین بیش اندیشه آسان کنم

زبان را به نزدت گروگان کنم

زبان ، معنی قول می دهد زیرا وسیله و آلت قول و گفتار است.

❖ بیان - مجاز

علاقه تسمیه به آلت

نه آن طفلم که از شیرین زبانی

به خرمایی کلیجم راستانی

زبان معنی گفتار می دهد زیرا آلت آن است.

❖ بیان - مجاز

علاقه تسمیه به آلت

وز آنجا بیامد سوی قبلگاه

لبش پر دروغ و سرش کینه خواه

لب مجازاً معنی کلام می دهد به علاقہ تسمیه به آلت

❖ بیان - مجاز

علاقه بدلیت

دیدي که خون نا حق پروانه شمع را

چندان امان نداد که شب را سحر کنم

شاعر از واژه خون بدل آن را که خونبها یا قصاص است اراده کرده است.



## ❖ بیان - تشبیه

### تعریف:

تشبیه در علم بیان به معنی مانند کردن چیزی است به چیزی ، مشروط بر اینکه آن ماندگی مبتنی بر کذب یا حداقل دروغ نما باشد.

## بیان - تشبیه ❖

تعریف:

تشبیه در واقع ادعای ماندگی دو چیز به هم است که این ادعا باید مبتنی بر اغراق و نیز

مخیل باشد.

## ❖ بیان - تشبیه

### تعریف:

می توان گفت جمله تشبیهی جمله ای است که به ظاهر درست نمی نماید ، باعث اعجاب

می شود و کسی به مفاد آن باور ندارد. **او مثل سرو است.**

## ❖ بیان - تشبیه

تعریف:

جملاتی که به ظاهر درست است و باعث اعجاب نمی شود. تشبیهی نیست. **نفت مثل**

**بنزین است.**

## ❖ بیان - تشبیه

### تعریف:

تشبیه ؛ بیان مخیل حال مشبه ، همراه با اغراق است که در آن:

(الف) وجه شبه از مشبه به اخذ می شود.

(ب) مشبه به به لحاظ وجه شبه از مشبه قوی تر است.

## ❖ بیان - تشبیه

ارکان:

الف از نظر ب مانند ج است.

الف) مشبه (تشبیه شده)

ب) مشبه به (تشبیه شده به آن)

ج) وجه شبه (صفت مشترك ادعایی)

مانند = ادات

## بیان - تشبیه

مشبه

یکی از ارکان اصلی تشبیه است که همواره در تشبیه حضور دارد و غرض از تشبیه ،

توصیف مخیل آن است.

## ❖ بیان- تشبیه

مشبه به

یکی از ارکان اصلی تشبیه است که همواره در تشبیه حضور دارد و در صفتی قوی تر و

آشکارتر از مشبه است.



## ❖ بیان- تشبیه

### وجه شبه

یکی از ارکان تشبیه است که گاهی در تشبیه حضور دارد

( تشبیه مفصل) و گاهی حضور ندارد ( تشبیه مجمل)

## ❖ بیان - تشبیه

### وجه شبه

برجسته ترین رکن تشبیه است که در حقیقت فهمیدن تشبیه ( و به عبارت بهتر شعر و

کلام ادبی) درک و دریافت همین رکن پنهانی و ادعایی است.

## ❖ بیان- تشبیه

### وجه شبه

وجه شبه معمولاً در تشبیه ذکر نمی شود زیرا کلام ادبی باید مخیل باشد و در صورت

ذکر وجه شبه ، از خیال ورزی کاسته می شود.

## ❖ بیان- تشبیه

### وجه شبه

اگر تشبیه نو و بدیع باشد معمولاً وجه شبه را ذکر می کنند تا تشبیه فهمیده شود.

## ❖ بیان- تشبیه

### وجه شبه

درك مفهوم تشبیه در نتیجه ذهن و هدف شاعر یا نویسنده در سایه درك و كشف وجه

شبه آن است.

## بیان- تشبیه ❖

### ادات

واژه‌های متعددی که گاهی در جمله تشبیهی حضور دارد (تشبیه مرسل یا تشبیه

صریح) و گاهی حضور ندارد (تشبیه موکد یا بالکنایه یا محذوف الادات) **مانند، همانند،**

**مثل، بسان و...**

## ❖ بیان- تشبیه

### غرض

غرض از تشبیه ، توصیف مخیل مشبه به وسیله مشبه به است ، آن توصیف مخیل- که

همان وجه شبه است- باید از مشبه به اخذ شود.

❖ بیان - تشبیه

انواع - بلیغ

وجه شبه و ادات حضور ندارد

راهم شراب لعل زد ای میر عاشقان

خون مرا به چاه زنخدان یار بخش



❖ بیان - تشبیه

انواع - تسویه

برای چند مشبه ، يك مشبه به وجود دارد

نقش خورنق است همه باغ و بوستان

فرش ستبرق است همه دشت و کوهسار

## ❖ بیان - تشبیه

### انواع - تفضیل

مشبه ، به مشبه به تشبیه می شود سپس مشبه قوی تر از مشبه به معرفی می شود.

بنفشه طره مفتول خود گره می زد

صبا حکایت زلف تو در میان انداخت

یعنی زلف تو برتر از طره بنفشه است.

❖ بیان- تشبیه

انواع- تلمیحي

دریافت وجه شبه در گرو درك و آشنایی با اسطوره یا داستان یا ...

ثریا چون منیژه بر سر چاه

دو چشم من بدو چون چاه بیژن

❖ بیان- تشبیه

انواع- جمع

يك مشبه داراي چند مشبه به است.

من اگر خارم اگر گل چمن آرايي هست

که به هر شیوه که می پروردم می رویم

❖ بیان - تشبیه

انواع - خیالی

مشبه به داراي دو جزء واقعي که روي هم غير واقعي است

در دل من چيزي است

مثل يك بيشه نور... .

❖ بیان - تشبیه

انواع - مجمل

وجه شبه حضور ندارد.

دانش مانند نور است.

❖ بیان - تشبیه

انواع - مرسل

در تشبیه مرسل یا صریح یا مطلق ادات تشبیه حضور دارد .

دانش **مانند** نور است.

❖ بیان - تشبیه

انواع - مرکب

وجه شبه مرکب است

سر از البرز برزد قرص خورشید

چو خون آلوده دزدی سر زمکمن



❖ بیان - تشبیه

انواع - مزدوج

نوعي تشبیه تسویه است که در آن صفتي از خویش یا صفتي از مقصود به مشبه به مانده  
مي شود.

مانا عقیق نارد هرگز کس از یمن

همرنگ این سرشک من و دو لبان تو

سرشک من و لبان تو مانند عقیق یمن است

❖ بیان- تشبیه

انواع- مشروط

یا تشبیه شرطی آن است که ماندگی میان دو چیز در گرو شرطی باشد

به سرو ماند اگر سرو لاله دار بود

به مورد ماند اگر مورد روید از نسرین

❖ بیان - تشبیه

انواع - مضمهر

در تشبیه مضمهر یا اضمهار یا پنهان یا نهان چارچوب ظاهری تشبیهی نیست اما در مفهوم

تشبیه تشخیص داده می شود.

چنین که سجده برم بی حفاظ پیش **جمالت**

به عالمی شده روشن که **آفتاب** پرستم

❖ بیان- تشبیه

انواع- معکوس

در تشبیه معکوس یا عکس یا مقلوب ، مشبه و مشبه جابه جا می شوند ، وجه شبه

همیشه حضور دارد.

زسم ستوران و گرد سپاه

زمین ماه روی و زمین روی ، ماه

❖ بیان - تشبیه

انواع - مفرد

مشبه به تصویر و تصور يك چیز

چو جویبار است اشك دیده من از آنك

به قد بر شده چون سرو جویبار تویی

❖ بیان - تشبیه

انواع - مفروق

حضور بیش از يك مشبه و مشبه به

زان قامت همچون الف و زلف چو دالت

باريك شدم چون الف و چفته چو دالي

❖ بیان تشبیه

انواع - مفصل

وجه شبه در آن حضور دارد

دانش در هدایت مانند نور است

❖ بیان- تشبیه

انواع- مقید

در تشبیه مقید ، مشبه به مقید به قیدی است (صفت- اضافه ....)

رخساره چو گلستان خندان

زلفین چو زنگیان لالع



❖ بیان- تشبیه

انواع- ملفوف= پیچیده

چند مشبه جداگانه و مشبه به هاي هريك به ترتيب قرار مي گيرند

ز روي دوست دل دشمنان چه دريابد

چراغ مرده كجا شمع آفتاب كجا

روي دوست مانند شمع آفتاب

دل دشمنان مانند چراغ مرده

❖ بیان- تشبیه

انواع- موکد

در تشبیه موکد یا محذوف الادات یا استوار ، ادات حضور ندارد.

با حمله باز هیبت او

شاهین قضا کبوترآمد

❖ بیان- تشبیه

انواع- هر دو طرف حسی

بیشتر در ادبیات کهن ( سبک خراسانی) رایج بود.

لب بر لبی چو چشم خروس ابلهی بود

برداشتن به گفته بیهوده خروس

وجه شبه = ریزی و سرخی

❖ بیان- تشبیه

انواع- هر دو طرف حسی

ترانه ای غمناک

چو دود بر می خاست

ز شهر زنجره ها

چو دود می لغزید

به روی پنجره ها

## ❖ بیان - تشبیه

انواع - مشبه عقلي ، مشبه به حسي

رایج ترین نوع تشبیه است زیرا غرض تشبیه را به خوبی تامین می کند.

آه چه آرام و پرغرور گذر داشت

زندگی من چو جویبار غریبی

در دل این جمله های ساکت متروک

زندگی: عقلي

جویبار: حسي

## ❖ بیان - تشبیه

انواع - مشبه عقلي ، مشبه به حسي

رایج ترین نوع تشبیه است زیرا غرض تشبیه را به خوبی می رساند.

دانش اندر دل چراغ روشن است

وز همه بد بر تن تو جوشن است

دانش: عقلي

چراغ: حسي

## ❖ بیان - تشبیه

### انواع - مشبه به حسی - مشبه عقلي

این نوع تشبیه با توجه به غرض تشبیه نباید وجود داشته باشد

مگر وجه شبه در تشبیه حضور داشته باشد

فارغ از سودم و زیان چون عدم

طرفه بی سود و بی زیان که منم

مشبه: من

مشبه به: عدم

وجه شبه: فارغ از سود و زیان بودن

❖ بیان - تشبیه

غرض از تشبیه

تقریر و توضیح حال مشبه در ذهن خواننده توسط مشبه به



❖ بیان- تشبیه

غرض از تشبیه

روشن کردن وضع مجهولي ( مشبه ) توسط معلومي ( مشبه به )

## ❖ بیان - تشبیه

### انواع - مشبه و مشبه به هر دو عقلي

از نظر تئوري نباید وجود داشته باشد. اگر کسی این نوع تشبیه را به کار برد باید وجه شبه را بیاورد مگر مشبه به در صفتي بسیار معروف باشد.

وفاي توست چون عمر من وماند      به محشر وعده دیدار جانا

وفا و عمر هر دو عقلي

وجه شبه: عمر به کوتاهی معروف است.

## ❖ بیان- تشبیه

انواع- مشبه و مشبه به هر دو عقلي

وجه شبه باید حضور داشته باشد مگر روشن و معروف باشد

خرد همچو جان است زي هوشيار

خرد را چنين خوار مایه مدار

وجه شبه ذکر نشده ، جان در عزیز بودن معروف است.

❖ بیان- تشبیه

وجه شبه تحقیقی

مایه‌ها و زمینه‌های شباهت تا حدودی واقعاً در دو طرف وجود دارد

و من در آینه می‌دیدمش

که مثل آینه ، پاکیزه بود و روشن بود

پاکیزه و روشن بودن می‌تواند حقیقتاً در ( او و آینه ) باشد

❖ بیان- تشبیه

وجه شبه تخیلی

صفات به کار گرفته شده در دو طرف یا دستکم در یکی از آنها حقیقتاً وجود ندارد و خیالی و ادعایی است.

تشبیه شخص لال به سوسن به اعتبار اینکه در سنن ادبی سوسن زبان دارد اما قادر به گفتار نیست.

## ❖ بیان - تشبیه

### وجه شبه دو گانه

یا صنعت استخدام ، وجه شبه در ارتباط مشبه يك معني و در ارتباط مشبه به معني دیگری دارد. يك بار حسي و بار دیگر عقلي است.

بر مثل زاهدان جمله چمن ، خشك بود

مشبه: چمن = حسي

مشبه به: زاهدان = عقلي

وجه شبه: خشك بودن

❖ بیان- تشبیه

وجه شبه مفرد

در تشبیه گل به آتش ، وجه شبه ، تنها و تنها سرخی است.

❖ بیان- تشبیه

وجه شبه متعدد

در تشبیه گونه به گل ، وجه شبه می تواند لطافت ، سرخی ، خوشرنگی ، خوش بویی

و.... باشد.



❖ بیان - تشبیه

وجه شبه مرکب

انتزاع از چند چیز یا تابلویی از مجموع جزئیات

بنگر به ستاره که بتازد زپس دیو

چون زرگدازیده که بر قیر چکانیش

وجه شبه: حرکت عمودی جسمی روشن در صفحه گسترده تاریکی.

❖ بیان - تشبیه

وجه شبه مرکب

هیئت حاصله از امور متعدد. در تشبیه مرکب نباید اجزاء را تک تک مورد نظر داشت.

سر از البرز بر زد قرص خورشید

چو خون آلوده دزدی سر زمکن

وجه شبه: بالا آمدن تدریجی جسمی سرخ از پشت جسمی سیاه

❖ بیان- تشبیه

انواع- تمثیل

مشبه: امري معقول و مرکب

مشبه به: امري محسوس و مرکب ( جنبه مثل یا حکایت دارد )

وجه شبه: مرکب

## بیان- تشبیه ❖

ادامه

شادان همی نشیند و غافل همی رود  
پندارد اوست ساکن و ساحل همی رود

آگاه نیست آدمی از گشت روزگار  
ماند بر آن که باشد برکشتی بی روان

مشبه: آگاه نبودن آدمی از گذشت زمان و غفلت و شادمانی او

مشبه به: نشستن آدمی در کشتی و تصور او بر اینکه او ساکن است و ساحل حرکت می

کند

وجه شبه: غفلت حاصل از توهم و ظاهر بینی

❖ بیان- تشبیه

انواع- غریب بعید

دارای زاویه تشبیه باز و رابط بین دو طرف دور از ذهن  
حاصل ذهن خلاق شاعران و مبین نوآوری ایشان است

❖ بیان - تشبیه

انواع - قریب مبتذل

دارای زاویه تشبیه تنگ و ربط میان هردو طرف ساده و زود یاب.

تشبیهات تکراری و پیش پا افتاده.

## ❖ بیان - تشبیه

### زاویه تشبیه

یعنی ربط میان مشبه و مشبه به ، که هر قدر این رابطه نو و بکر باشد زاویه تشبیه بازتر و تشبیه هنری تر خواهد بود. ذهن خلاق هنرمندان برجسته آفریننده این نوع تشبیهات هستند.

.... آنگاه در پشت يك سنگ

اجاق شقایق مرا گرم کرد.

## ❖ بیان- تشبیه

### اضافه تشبیهی

با فرمول‌های زیر می‌توان تشخیص داد

الف) این مضاف (مشبه) مانند مضاف الیه (مشبه به) است

ب) این مضاف الیه (مشبه) مانند مضاف (مشبه به) است.

الف- زلف کمند

ب- کمند زلف



## بیان - تشبیه

### اضافه تشبیهی

الف) اضافه تلمیحی باشد

همچو یوسف بگذر ازندان و چاه

تا شوی در مصر عزت پادشاه

ب) اضافه سمبلیک باشد

یوسف حسنی و این عالم چو چاه

وین رسن صبراست بر امر اله

می تواند

❖ بیان- تشبیه

نوکردن

تشبیهات مبتذل و تکراری و پیش پا افتاده را به وسیله تشبیه مشروط و تفضیل می توان

نو کرد.

❖ بیان- تشبیه

انواع- وهمی

مشبه به غیر موجود و مرکب از دو جزء که یکی از اجزای آن وجود خارجی ندارد.

از دو سو کوه سر کشیده به ماه

چون کف دست دیو صاف و سیاه

## ❖ بیان - استعاره

### تعریف

لغوي: عاریه خواستن لغتي به جاي لغت ديگري. شاعران در استعاره واژه‌هایی را به علاقه

مشابهت به جاي واژه ديگري به کار مي برند.

سرو چمان من.....

او در چمیدن مانند سرو است.

## ❖ بیان - استعاره

### تعریف

مجازی است که در آن علاقه ، مشابهت است

نرگس مست تو.....

نرگس دارای معنی مجازی به علاقه مستی

## ❖ بیان - استعاره

### تعریف

تشبیهی است که یکی از دو رکن اصلی آن حذف شده باشد.

صبا ( مانند پیکي ) به لطف بگو آن ( یار مانند ) غزال رعنا را

## ❖ بیان- استعاره

### تعریف

استعاره در واقع تشبیه فشرده است.

در تشبیه ادعای همانندی و در استعاره

ادعای یکسانی و این همانی است.

❖ بیان- استعاره

انواع- مصرحه

یا نوع اول یا محققه یا تحقیقه که اصلی ترین نوع استعاره است و در آن مشبه حذف

می شود و تنها مشبه به باقی می ماند.



## ❖ بیان - استعاره

### مصرحه مجردة

مشبه به + ملائمت (صفات) مشبه که همان قرینه صارفه است.

آه از آن نرگس جادو که چه بازی انگیخت

آه از آن مست که با مردم هشیار چه کرد

جادو ، مست ، مردم قرینه ای برای اینکه نرگس در معنی مجازی به کار رفته است.

## ❖ بیان - استعاره

### مصرحه مرشحه

تقویت شده و قوی - قرینه با ملائم یکی نیست.

قرینه ظریف و دور از ذهن - ادعای یکسانی و این همانی در اوج.

مشبه به + ملائمت مشبه به

## ❖ بیان - استعاره

### مصرحه مرشحه

درک و دریافت آن دشوار است

طاووس بین که زاغ خورد وانگه از گلو

گاورس ریزه‌های منقا برافکند

طاووس = آتش

قرینه = خورده شدن زاغ و ریختن گاورس از گلو

زاغ = زغال      گاورس ریزه = جرقه

ملائمات = خوردن ، گلو ، گاورس ریزه

❖ بیان - استعاره

مصرحه مطلقه

مشبه به + ملائمت مشبه به و مشبه

هم داراي تجريد و هم ترشيح - حالت تعادل

مطلقه = آزاد و رها

❖ بیان - استعاره

مصرحه مطلقه

چو پر بگسترد عقاب آهنین

شکار اوست شهر و روستای او

عقاب به قرینه آهنین = هواپیما

آهنین قرینه مشبه

پر گستردن از ملأئمات عقاب

❖ بیان- استعاره

انواع- مکنیه و تخیلیه

یا بالکنایه یا نوع دوم: مشبه + یکی از ملائمت مشبه به

حذف مشبه به ( برخلاف تئوری کلی تعریف استعاره) در تشبیه این نوع استعاره را به

وجود می آورد

❖ بیان - استعاره

انواع - بالکنایه

از نظر شکل دو گونه می توان تشخیص داد:

۱- به صورت اضافه

۲- به صورت غیر اضافه

❖ بیان - استعاره

بالکنایه - به صورت اضافه

در دستور اضافه استعاری نام دارد:

رخسار صبح ، روی گل ، چنگال مرگ

گاهی به صورت صفت و موصوف:

عزم تیز گام ، مرگ تیز دندان



## ❖ بیان - استعاره

بالکنایه - به صورت غیراضافه

میان مکنیه و تخیلیه فاصله است

هزار نقش برآرد زمانه و نبود یکی چنانکه در آینه تصور ماست

زمانه: مکنیاً به نقاش یا بازیگر تشبیه شده است.

نقش بر آوردن: تخیل شده است.

می توان این نوع را با استعاره تبعیه توضیح داد.

❖ بیان - استعاره

پرسونیفیکاسیون

مشبه به حذف شده ، شخص یا دستکم جان دار است.

تشخیص ، انسانوارگی ، انسان مدار ، انسانواره ، جاندار پنداری ، جاندار انگاری.....

❖ بیان - استعاره

انواع - بالکنایه

باغ ما در طرف سایه دانایی [مانند باغ ، دیوار ، درخت ، کوه] بود.

مشبه به محذوف و از ملائمت آن سایه همراه مشبه یعنی دانایی حضور دارد.

❖ بیان - استعاره

انواع - بالکنایه

و ما بي تو دوره مي كنيم شب [ كه مانند كتاب يا دفتر] را و روز [ مثل كتاب و دفتر] را.

مشبه به محذوف و از ملائمت آن دوره کردن همراه مشبه يعني شب و روز در استعاره

حضور دارد.

❖ بیان- استعاره

آنیمیسم

یا جاندار انگاری به جای استعاره بالکنایه مشروط به اینکه مشبه به محذوف نه

شخص باشد و نه غیر جاندار.

## نوع دوم

۱- پرسونیفیکاسیون: سلام ای شب معصوم

۲- آنیمیسیم: به ایوان می روم و انگستانم را

بر پوست کشیده شب می کشم

۳- مکنیه تخیلیه: باغ ما در طرف سایه دانایی بود

۴- مجاز عقلی: ای دیو سپید پای در بند

❖ بیان - استعاره

ترکیب اضافی

۱- استعاری: چنگال مرگ

۲- اقترانی: دست ارادت

۳- مجازی: دست روزگار

❖ بیان- استعاره

انواع- تبعیه

استعاره در فعل است

قضا چون ز گردون فرو هشت پر

همه عاقلان کور گردند و کر

فروهستن پر استعاره در فعل است یعنی نازل شدن



❖ بیان - استعاره

تبعیه - فورگراندینگ

استعاره در فعل به طور نو و بدیع و غیرمنتظره باشد

برجسته سازی یا فورگراندینگ است

آن روز هم که دست‌های تو ویران شدند ، باد می‌آمد.

## ❖ بیان - استعاره

### تناسبي تشبیهي

در استعاره تناسبي تشبیه ( فراموش کردن اینکه تشبیهي در کار بوده است ) وجود دارد و

در نتیجه اغراق و تخیل در آن در اوج است. چون مبتني بر ادعای اتحاد است ، انگار با

حقیقت سروکار دارد. ( حقیقت ادعایي ).

❖ بیان - استعاره

انواع - قریب

یا مبتذل ، استعاره‌های شناخته شده کلیشه‌ای است

لعل ( لب ) ، سنبل ( زلف ) ، سرو ( قامت ) .....

❖ بیان- استعاره

انواع- بعید

حاصل فعالیت ذهن خلاق هنرمند- دارای جنبه هنری بالا- دیر یاب و دور از ذهن- در

آثار شاعران نو آور و مبتکر به چشم می خورد.

❖ بیان - استعاره

انواع - تحقیقیه

جامع (وجه شبه) در هر دو سو محققاً می تواند وجود داشته باشد.

گل (روی)، سرخی، یا لطافت در هر دو طرف می تواند باشد.

❖ بیان - استعاره

انواع - تخیلیه

جامع (وجه شبه) در یکی از دو طرف محققاً وجود ندارد

نرگس (چشم)، خماری یا .... در گل نرگس ادعایی است.

❖ بیان - استعاره

انواع - وفاقیه

جمع شدن مفهوم دو طرف تشبیه در يك جا بلا اشكال است.

حيات ( علم ) ، جمع شدن حيات و علم در يك تن طبيعي است.

❖ بیان - استعاره

انواع - عنادیه

جمع شدن مفهوم دو طرف تشبیه در يك جا ممکن نباشد.

زنده ( مرده اي كه آثار خيري از او باقي مانده باشد )



❖ بیان - استعاره

انواع - تهکمه

از فروع عنادیه ، در طنز کارایی دارد. ربط میان دو طرف کمال تضاد است نه شباهت.

...الحق امنای مال ایتام      همچون تو حلال زاده بایند....

حلال زاده ( حرامزاده ) - مجاز به علاقه تضاد

## ❖ بیان - استعاره

### انواع - مرکب

استعاره در جمله ، جمله ای که درمعنای حقیقی خود به کار نرفته است. جنبه ارسال

المثل یا ضرب المثل دارد- استعاره تمثیلیه هم می گویند.

آب در هاون کوبیدن ، تکیه بر آب زدن ( عمل ناممکن )

فرق استعاره مرکب با کنایه ( که در ساختمان مانند همدیگرند )

در این است که در استعاره قرینه صارفه باید وجود داشته باشد اما در کنایه جمله در معنی

حقیقی خود هم معنی دارد و نیاز به قرینه نیست.

پخته خواری: کنایه

گره به باد زدن: استعاره

## ❖ بیان- استعاره

هدف از استعاره:

۱- بیان مخیل مشبه محذوف ( مصرحه )

۲- بیان و تصویر اغراق آمیز مشبه به

۳- ایجاد ایجاز در زبان

## ❖ بیان - استعاره گونه‌ها

### سمبل

سمبل را در فارسی رمز و مظهر و نماد می‌گویند که در آن ، مانند استعاره ، ذکر مشبه به و

اراده مشبه دیده می‌شود.

## ❖ بیان - استعاره گونه‌ها

### فرق سمبل و استعاره

الف) مشبه به در سمبل صریحاً به يك مشبه خاص دلالت ندارد

زندان = تن ، دنیا ، امیال نفسانی و ... نرگس = چشم

ب) در استعاره ناچاریم که مشبه به را به سبب وجود قرینه صارفه حتماً در معنی ثانوی

دریابیم در حالی که سمبل در معنی خود نیز درك می‌شود

سرو چمان ← استعاره      آینه ← سمبل

## ❖ بیان - استعاره گونه‌ها

### اضافه سمبولیک

اضافه سمبل به معنی آن است (اضافه مشبه به به مشبه)

یعنی مضاف سمبل مضاف الیه است.

عقاب جور

عقاب سمبل جور است.

## ❖ بیان - استعاره گونه‌ها

### تمثیل

حاصل يك ارتباط دوگانه بين دو طرف (مشبه و مشبه به) است. بیان حکایت و

روایتي است که - هر چند معنای ظاهري دارد- مراد گوینده معنای کلي دیگری باشد.



## ❖ بیان - استعاره گونه‌ها

### انواع تمثیل

(۱) فابل = تمثیل حیوانی

(۲) پارابل = تمثیل غیر حیوانی ، مثل گویی

(۳) اگزمپلیوم = مثال داستانی

## ❖ بیان - استعاره گونه‌ها

### اسطوره

از دیدگاه بیان ، اسطوره مشبه بهی است که باید مشبه محذوف آن را با تخیل و قرائن تاریخی و مردم شناسی و جامعه شناسی دریافت و درك کرد. بحث اساطیر در ادبیات سنتی ما تا حدود زیادی همان بحث تلمیحات است.

❖ بیان - استعاره گونه‌ها

اضافه اساطیری

بسیاری از تعبیرات و اضافه‌هایی که ما امروزه در علم بیان تشبیهی یا استعاری می‌نامیم در

عصر اساطیر جنبه تساوی و این‌همانی داشته است: شیر آفتاب ، تاج آفتاب و.....

## ❖ بیان - استعاره گونه‌ها

### اضافه تلمیحي

اضافه‌اي که درك وجه شبه آن و در نتیجه درك آن موقوف به آشنایی با داستان یا

اسطوره‌اي باشد.

### یوسف جان

## ❖ بیان - استعاره گونه‌ها

### آرکی تایپ

از وجوه ارتباط دو جانبه میان طرف غایب و طرف حاضر که در ادبیات مرسوم است

آرکی تایپ نام دارد که در فارسی به کهن الگو، صورت نوعی، سنخ‌های باستانی، نمونه

های ازلی، صور ازلی و صور اساطیری ترجمه شده است.

## ❖ بیان - کنایه

### تعریف

عبارت یا جمله‌ای است که مراد گوینده معنای ظاهری آن نباشد، اما قرینه صارفه‌ای هم که مخاطب را از معنای ظاهری به معنی باطنی راهنمایی کند وجود نداشته باشد. کنایه ذکر مطلبی و دریافت مطلب دیگر است.

## ❖ بیان - کنایه

### انواع

کنایه از حیث دلالت مکنی به به مکنی عنه بر سه قسم است:

(۱) کنایه از موصوف (اسم)

(۲) کنایه از صفت

(۳) کنایه از فعل یا مصدر

## ❖ بیان - کنایه

### انواع

کنایه به لحاظ انتقال معنای مقصود دو نوع است:

(۱) قریب ، ربط بین لازم و ملزوم به آسانی فهمیده می شود.

(۲) بعید ، بین معنی ظاهر و باطن ربط به راحتی صورت نگیرد.



## انواع

قدما کنایه را از نظر وضوح و خفا و قلت و کثرت وسائط و سرعت یا کندی انتقال از مکنی

به به مکنی عنه به چهار قسمت تقسیم کرده اند:

۲- ایماء

۱- تلویح

۴- تعریض

۳- رمز

[www.salampnu.com](http://www.salampnu.com)

## سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

[www.salampnu.com](http://www.salampnu.com)